



بحران آب هیرمند و بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان

حمید درج^۱

چکیده

نوشتار حاضر در تلاش است تا مسأله هیرمند و قدرت‌یابی مجدد طالبان در افغانستان را مورد بحث و بررسی قرار دهد. در طی یک قرن اخیر افغانستان با احداث سدها و پروژه‌های آبی متعدد در مسیر هیرمند، حجم بیشتری از آب را مصرف کرده و میزان آب وارداتی به مناطق شرقی ایران از جمله سیستان را کاهش داده است. این مسأله در مواقع خشکسالی در بخش علیای رودخانه، کم آبی در مناطق شرقی ایران از جمله سیستان را تشدید کرده است و تهدیدات فراوانی را برای این منطقه در پی داشته است. با به قدرت رسیدن مجدد طالبان در افغانستان موضوع حقابه هیرمند همچنان از مسائل مهم در روابط تهران و کابل محسوب می‌شود. این گروه در مواقعی از فاکتور آب برای ایجاد فشار بر تهران جهت پیشبرد اهداف و سیاست‌های خود بهره‌برداری می‌کنند که این امر تهدیدی راهبردی برای جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. لذا سؤال اصلی این است که با قدرت‌یابی دوباره طالبان در افغانستان، این گروه چه سیاستی را در قبال مسأله هیرمند دنبال می‌کند؟ فرضیه مقاله این است که «دلایل درهم تنیده‌ای همچون موقعیت بالادستی افغانستان، نیاز گسترده این کشور به منابع آبی، توسعه فعالیت‌های کشاورزی و سدسازی در خاک افغانستان و از سویی، نیاز طالبان به دولتی باثبات و کسب شناسایی بین‌المللی باعث شده است تا این گروه، ضمن در پیش گرفتن سیاست همکاری‌جویانه در قبال ایران، در مواقعی نیز از اهرم هیرمند جهت ایجاد فشار بر تهران برای کسب امتیاز و پیشبرد اهداف و سیاست‌های خود بهره‌برند که این امر می‌تواند تهدیدی زیست محیطی و امنیتی برای مناطق شرقی ایران از جمله سیستان ایجاد کند». نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد؛ موقعیت جغرافیایی افغانستان به عنوان کشوری بالادست، توسعه پروژه‌های آبی در خاک این کشور و همچنین نیاز طالبان به دولتی قانونی و کسب مشروعیت بین‌المللی سبب شده است تا مقامات کابل در کنار همکاری با مقامات تهران، در مواقعی از اهرم هیرمند به منظور دست‌یابی به اهداف و ارتقاء قدرت خود استفاده نمایند و از این طریق برای مناطق شرقی ایران تهدیدات زیست محیطی و امنیتی ایجاد نمایند. برای تحلیل داده‌های این پژوهش از روش تحلیل کیفی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: ایران، افغانستان، طالبان، هیرمند، هیدروپلیتیک.

DOI: 10.27834/CSIW.2311.1308.2.29.6

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه گیلان، ایران hamid.dorj@gmail.com

شماره ۲ (۲۹)

سال ۱۰
تابستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۸/۲۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۹/۲۰

صص: ۱۳۵-۱۶۱



مقدمه

در طی دهه‌های گذشته، رودخانه هیرمند با برخورداری از موقعیت جغرافیایی مهم و حیاتی، یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر مناسبات ایران و افغانستان بوده است؛ به گونه‌ای که در مقاطع مختلف زمانی باعث ایجاد بحران‌های مقطعی میان دو کشور شده است. این رودخانه یکی از حساس‌ترین رودخانه‌های مرزی ایران است و خط مرزی رسمی بین ایران و افغانستان محسوب می‌شود و هرگونه تنش در این حوضه آبی تأثیر به‌سزایی بر مناطق شرقی ایران از جمله سیستان خواهد گذاشت. در واقع، چرخه اقتصاد و تولید سیستان در زمینه‌های مختلف کشاورزی، صیادی، دامداری و... به جریان داشتن آب هیرمند وابسته است که در صورت کاهش یا قطع کامل این رودخانه، مشکلات فراوان زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و... بروز خواهد کرد. بالادست بودن کشور افغانستان نسبت به رودخانه هیرمند، ضمن افزایش قدرت و توان چانه‌زنی این کشور، به نوعی سبب بهره‌برداری بیشتر و نادیده‌انگاشتن حق آبه دولت پایین دست یعنی جمهوری اسلامی ایران شده است و در این راستا؛ مشکلاتی را در انتقال آب هیرمند به منطقه از جمله سیستان سبب گردیده است. در سال‌های اخیر افغانستان بر سر راه رودخانه هیرمند سدها و استخرهایی را احداث نموده که خود سبب کمبود و کاهش آب هیرمند و در نتیجه خشکسالی در سیستان و بلوچستان ایران شده است. این اقدامات کابل، مشکلات و بحران‌های متعددی از جمله کمبود منابع آب و کاهش فعالیت‌های کشاورزی و تعطیلی تعداد زیادی کارخانه‌ها در سیستان را به وجود آورده است. موضوع آب هیرمند همواره به اهرمی سیاسی و اقتصادی در دست مقامات افغانستان تبدیل شده است تا از آن در روابط سیاسی و موازنه قدرت منطقه‌ای با ایران استفاده کند. هم‌اکنون با خروج نیروهای آمریکایی و ناتو از افغانستان، موقعیت مناسب‌تری برای تهران جهت توسعه مناسبات و همکاری‌های همه‌جانبه با کابل فراهم شده است. بعد از فروپاشی دولت اشرف غنی و به قدرت رسیدن دوباره طالبان در ۲۰۲۱، این گروه در کنار همکاری با مقامات ایران، در مواقعی از اهرم هیرمند و ایجاد فشار بر تهران جهت تأمین خواسته‌ها و سیاست‌های منطقه‌ای خود نیز استفاده می‌برند و از این طریق تهدیدات امنیتی و زیست محیطی در مناطق شرقی ایران از جمله سیستان ایجاد می‌کنند. با تسلط طالبان بر افغانستان، مقامات تهران در تلاش جهت رایزنی و برقراری روابط غیررسمی با مقامات دولت موقت طالبان برآمده‌اند و در این رابطه، بر تشکیل دولتی فراگیر و باثبات در افغانستان

تأکید دارند. جمهوری اسلامی علی‌رغم اختلافات تاریخی و مذهبی با طالبان، به دلیل احساس خطر از حضور ایالات متحده در افغانستان، به‌عنوان کشوری همسایه، مسیر توسعه همکاری‌ها با طالبان را در پیش گرفت. تصور می‌شود روابط حسنه با طالبان جهت جلوگیری آن‌ها از استفاده ابزاری از آب به‌عنوان سلاح سیاسی بتواند حقیقه بیشتری برای ایران تأمین کند؛ چرا که در پرتو تصمیمات دولت اشرف غنی محدودیت‌هایی در سهمیه حق آبی ایران ایجاد شده بود. در مجموع، مسأله هیرمند و حق‌آبه آن، هم‌چنان در روابط دو کشور ایران و افغانستان، به‌عنوان یک عامل مشاجره پایدار باقی مانده است. برداشت بی‌رویه آب توسط افغانستان، نداشتن رژیم حقوقی مناسب و زمینه چالش و منازعه بر سر آن، بر روابط طرفین سایه انداخته است و هم‌اکنون دورنمای روشنی برای حل و فصل آن به چشم نمی‌خورد. بدین ترتیب، پژوهش حاضر درصدد پاسخ دادن به این سؤال اصلی است که با قدرت‌یابی دوباره طالبان در افغانستان، این گروه چه سیاستی را در قبال مسأله هیرمند دنبال می‌کنند؟

۱- پیشینه پژوهش

راجع به سیاست‌های ایران و طالبان در قبال همدیگر و روابط فی‌مابین، پژوهش‌های زیادی به زبان فارسی و انگلیسی صورت پذیرفته است. در ادامه صرفاً به بررسی چند نمونه از آن‌ها که ارتباط بیشتری با موضوع بحث پژوهش حاضر دارد، اشاره می‌گردد:

داودی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «قدرت‌یابی طالبان و رویکرد جمهوری اسلامی ایران»؛ که خروج زود هنگام نیروهای آمریکایی از افغانستان و سقوط کابل به‌دست طالبان بار دیگر شرایط پر آشوب خاورمیانه و معادلات ژئوپلیتیک آن را دست‌خوش تغییر کرده و بر منافع ایران تأثیر گذاشته است. از سوی دیگر، طالبان از بعد ایدئولوژیک به‌عنوان یک گروه افراطی سنی، همچنان تهدیدی برای امنیت ملی ایران به حساب می‌آید.

شفیعی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با نام «از همکاری تا منازعه: تحلیلی بر روابط ایران و طالبان»؛ معتقد است که همکاری طرفین در دوره گذشته، به دلیل وجود دشمن مشترکی به نام آمریکا و همچنین ترجیحات سازگاری بود که در دستگاه تصمیم‌گیری ایران و طالبان نسبت به یکدیگر ایجاد شده

بود. اکنون با از بین رفتن تهدید مشترک و بازگشت ترجیحات ناسازگار که در دوره اول روابط ایران و طالبان وجود داشت؛ روابط دو طرف وضعیت منازعه پیدا کرده است.

عباسیان (۲۰۲۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «دشمن دشمن من: رویکرد ایران به ظهور مجدد طالبان» استدلال می‌کند که ایران، طالبان را عاملی برای تضعیف ایالات متحده، جلوگیری از گسترش داعش در خراسان و تقویت نفوذ ایران در آسیای مرکزی می‌بیند. وی می‌افزاید که اگرچه به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان چالش‌هایی برای ایران به همراه دارد؛ اما مزایای آن به گونه‌ای است که تهران را از دست کشیدن از روابط با طالبان باز می‌دارد.

حسین نقوی و ظاهر (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با نام «سیاست ایران در قبال طالبان دوم: رویکردی محتاطانه برای حداکثر سود»، اذعان می‌دارد که اگرچه ایران نمی‌خواست پس از خروج ایالات متحده، طالبان به طور کامل بر ساختار سیاسی افغانستان مسلط شوند. با این حال، پس از این که طالبان افسار قدرت را در افغانستان به دست گرفت؛ روابط تهران با طالبان بر اساس منافع و کاملاً محتاطانه برقرار شد. تازگی و نوآوری مقاله حاضر در این است که تحقیقات قبلی در خصوص روابط و سیاست‌های ایران و طالبان در قبال همدیگر عمدتاً به مسائل ایدئولوژیک و با رویکردی صرفاً سیاسی مربوط می‌شود؛ این در حالی است که این پژوهش صرفاً به مناسبات و مسائل آبی میان ایران و طالبان پرداخته است.

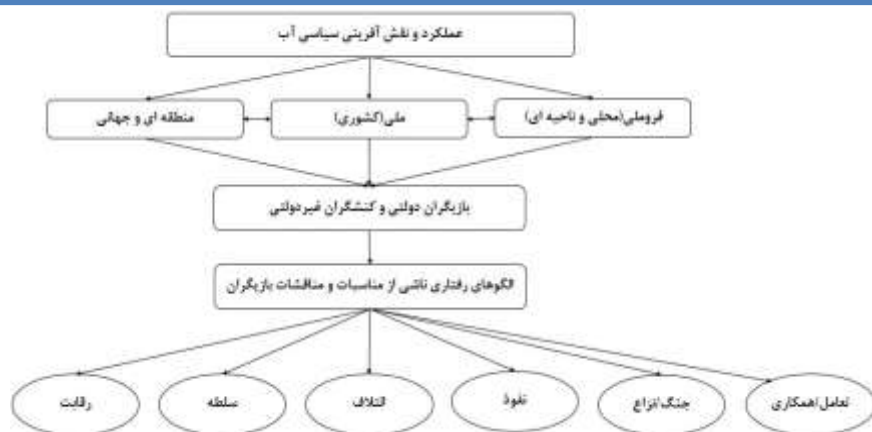
۲- مبانی نظری: نظریه هیدروپلیتیک

هیدروپلیتیک از جمله زیرمجموعه‌های علم جغرافیای سیاسی می‌باشد که به بررسی نقش آب در رفتارهای سیاسی با مقیاس‌های مختلف می‌پردازد؛ نوع تعامل میان ملت‌ها در بهره‌برداری از این منابع آبی مشترک، طیف گسترده‌ای از سازگاری و همکاری کامل تا ناسازگاری و جنگ را در بر می‌گیرد (بوربور و عباسی، ۱۴۰۰: ۱۳۵). اهمیت هیدروپلیتیک در علوم سیاسی در سده اخیر به دلیل بحران کم آبی هر روز بیشتر مشخص می‌گردد. آب به تدریج در حال تبدیل شدن به کالایی استراتژیک است. این روند در مناطق کم آب از شدت و حدت فراوان‌تری برخوردار می‌باشد. با توجه به افزایش مصرف آب، این امر سبب بروز مشاجراتی بین کشورهای ساکن در بالادست و پایین دست منابع آب شده است و به همین علت برخی نظریه‌پردازان، قرن بیست و یک را «سده

هیدروپلیتیک» نامیده‌اند و اعتقاد دارند که بیشتر درگیری‌ها و نزاع‌های محلی و منطقه‌ای ناشی از کمبود آب خواهد بود که بخشی از این اختلافات مربوط به آب‌های مشترک مرزی و فرامرزی است (عباسی‌اشلقی و عنایت‌مهری، ۱۴۰۰: ۱۰۳۲). به دلیل جریان دائمی آب از کشوری به کشوری دیگر و به دلیل وجود مرزهای سیاسی کشورهای مختلف در مسیر برخی از این جریان‌های آبی، برخی اختلافات، مذاکرات و همکاری‌ها بر سر مدیریت این منابع مشترک در قالب سیاست خارجی کشورهای جهان پدید آمده که این بخش از سیاست خارجی به دیپلماسی آب معروف شده است (دهشیری و حکمت‌آرا، ۱۳۹۷: ۶۰۰). اصطلاح هیدروپلیتیک، به روابط بین کشورها اعم از همکاری یا جنگ و نزاع، با توجه به منابع آبی مشترک و پتانسیل موجود در این مورد اشاره دارد. این اصطلاح منعکس شده از هیدرولوژیک و فرایندهای سیاسی است که در اکثر مرزهای آبی بین‌المللی، یک موضوع بزرگ و نگران‌کننده است (Martignago, 2011: 74). در واقع، هیدروپلیتیک را می‌توان علم مطالعه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی آب تعریف کرد که هدف آن ارتقاء ثبات سیاسی جوامع، امنیت منطقه‌ای، کامیابی و توسعه اقتصادی و توسعه پایدار زیست‌محیطی می‌باشد (Kehl, 2011: 1).

در این رابطه می‌توان گفت؛ اهمیت آب‌های منطقه شرق ایران خاصه رودخانه هیرمند از نظر هیدروپلیتیک از جایگاه بسیار خاصی برخوردار بوده است. این رودخانه نقش بسزایی در توسعه و آبادانی مناطق شرقی ایران به خصوص سیستان ایفاء می‌کند. با به قدرت رسیدن دوباره طالبان در افغانستان موضوع هیرمند همچنان یکی از مسائل بسیار مهم در مناسبات تهران و کابل محسوب می‌شود. نیاز طالبان به دولتی قانونی و کسب مشروعیت بین‌المللی و از سویی، موقعیت بالادستی افغانستان و احداث پروژه‌های آبی از سوی این کشور سبب شده است تا طالبان در کنار همکاری با مقامات تهران، در مواقعی از اهرم هیرمند جهت تأمین سیاست‌ها و منافع منطقه‌ای خود نیز استفاده نمایند که این مسأله باعث ایجاد تهدیدات و چالش‌های فراوان زیست‌محیطی و امنیتی در مناطق شرقی ایران از جمله سیستان شده است. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران جهت جلوگیری از ایجاد و گسترش تنش‌ها با افغانستان از جمله تنش‌های آبی، ضمن توسعه مناسبات و همکاری‌ها با کابل، در تلاش برای کاهش بی‌ثباتی‌ها در خاک افغانستان و ایجاد صلح و ثبات در این کشور بر آمده است.

بحران آب هیرمند و بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان



شکل ۱. نمودار مدل مفهومی از قلمروی معرفتی هیدروپلیتیک (منبع: ترسیم از نگارنده)

۳- ویژگی‌های جغرافیایی رودخانه هیرمند

حوضه آبریز هیرمند یک حوضه وسیع، بسته و خشک است که در جنوب شرقی ایران و جنوبی غربی افغانستان قرار دارد. مساحت این حوزه به طور تقریبی ۳۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع است که نزدیک به ۴۰ درصد از خاک افغانستان را در بر می‌گیرد (کامیاب و دیگران، ۱۴۰۰: ۹). تقریباً ۹۷ درصد از زمین‌های کشاورزی در جنوب شرقی افغانستان و ۸۰ درصد از اراضی آبی سیستان و بلوچستان ایران از حوضه رودخانه هیرمند آبیاری می‌شوند (Hanasz, 2012: 5). رودخانه هیرمند همچنین یک منبع حیاتی برای حفظ تالاب‌های فرامرزی هامون است. از منظر زیست‌محیطی، این تالاب‌ها مهم‌ترین بخش دلتای رودخانه هستند. در سال ۲۰۱۶، بخش ایرانی این تالاب در فهرست کنوانسیون رامسر قرار گرفت و به‌عنوان ذخیره‌گاه زیست کره یونسکو شناخته شد (Nagheeb And others, 2019: 556). رودخانه هیرمند، دهمین رودخانه بزرگ و با اهمیت آسیا و مهم‌ترین منبع تأمین‌کننده آب دریاچه هامون و منشأ حیاتی سیستان محسوب می‌شود. هیرمند به نام‌های هلمند، هلموند و هیلمند نیز خوانده می‌شود. طول این رود را از ۱۱۵۰ تا ۱۴۵۰ کیلومتر، پهنای آن را از ۲۰۰ تا ۶۰۰ متر و عمق آن را ۲ تا ۵ متر بیان کرده‌اند. هیرمند با حوضه آبریزی به گستره ۳۵۰ هزار کیلومتر مربع، بزرگ‌ترین رود خاوری ایران و کشور افغانستان است. آب این رودخانه بیشتر از ذوب برف‌های هندوکش تأمین می‌شود. هیرمند در محل کوهک به دو شاخه اصلی تقسیم

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

شده که یکی از این شاخه‌ها به نام رود سیستان، در ایران به دریاچه هامون می‌ریزد و دیگری که پریان مشترک نام دارد؛ قسمتی از مرز ایران و افغانستان را تشکیل می‌دهد که در نهایت به هامون پوزک در سرزمین افغانستان می‌ریزد (اطاعت و ورزش، ۱۳۹۱: ۱۹۹). سرشاخه‌های هیرمند از ارتفاع ۳۸۰۰ متری کوه پغمان در ۶۰ کیلومتری باختر کابل سرچشمه می‌گیرد. این سرشاخه‌ها عبارت‌اند از: کاری رود، رود موسی قلعه، رود ارغنداب، رود ترنگ و رود ارغستان. علاوه بر رود هیرمند و سرشاخه‌های آن، رودهای دیگری به حوزه هیرمند نیز جریان دارند که هر کدام از آن‌ها اهمیت جغرافیایی جداگانه‌ای دارند. این رودها عبارت‌اند از: خاش رود، فراه رود، ادرسکن و هاروت. رود هیرمند ۲۴۱ هزار کیلومتر مربع از خاک افغانستان را آبیاری می‌کند (اخباری و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۲۷-۲۲۲).



نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی رودخانه هیرمند (بوربور و عباسی، ۱۴۰۰: ۱۳۵)

بخش سُفلای هیرمند که تشکیل دهنده دلتای رودخانه در ناحیه سیستان می‌باشد؛ گستره‌ای به وسعت ۱۸۲۰۰ کیلومتر مربع دارد که ۳۰ درصد آن در خاک ایران است. این قسمت از روستای چهار برجک آغاز شده و تا دریاچه هامون ادامه پیدا می‌کند. بارش در ناحیه دلتا بسیار کم و تبخیر بالاست و تمام آب مورد نیاز از رود هیرمند تأمین می‌شود. بالا بودن میزان تبخیر و اتلاف زیاد آب بر اثر آن در منطقه دلتای هیرمند سیستان ایران و چخانسور افغانستان میزان آب مورد نیاز برای هر هکتار زمین کشاورزی در این قسمت را به شدت افزایش می‌دهد. رود هیرمند دارای رژیم آبدهی متغیر در طول سال می‌باشد؛ به گونه‌ای که ۸۴ درصد جریان آب رودخانه مربوط به

ماه‌های بهمن تا خرداد است. همچنین میزان آبدهی رودخانه در سال‌های مختلف بشدت تغییر می‌کند (گرگیچ و خزایی، ۱۳۹۸: ۵۴-۵۳). رودخانه هیرمند در اوقات عادی در هر ثانیه ۲۰۰۰ فوت مکعب آب به سیستان می‌دهد و در مواقع سیلاب این مقدار به ۵۰ تا ۷۰ هزار فوت در ثانیه می‌رسد. گل و لایی که این رودخانه با سایر رودخانه‌ها از قبیل خاشرود، فراه رود، هاروت و... به سیستان منتقل می‌کند؛ بسیار زیاد است و این امر از جهتی موجب حاصل‌خیزی زمین‌های سیستان می‌شود. بر اساس سنجش هیئت فنی مک ماهون در سال‌های ۱۹۰۳ تا ۱۹۰۵ میلادی یک بخش از ۱۲۷ بخش آب هیرمند، گل و لای بوده و کمتر رودخانه‌ای در جهان وجود دارد که گل و لای آن از این میزان تجاوز کند (ستاره و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۲-۳۱).

۴- مناسبات آبی ایران و افغانستان در بهره‌برداری مشترک از هیرمند

حوضه رودخانه هیرمند از نظر استراتژیکی برای هر دو کشور ایران و افغانستان بسیار مهم محسوب می‌شود. اراضی حاصل‌خیز دلتای رود هیرمند که توسط بیابان‌های شرق ایران و جنوب غربی افغانستان احاطه شده است؛ طی قرن‌ها از طریق آب فراوان رودخانه هیرمند آبیاری می‌شده است. سابقه اختلافات آبی ایران و افغانستان در مورد هیرمند، بسیار طولانی است. از سال ۱۸۵۷ میلادی و با به رسمیت شناخته شدن افغانستان از جانب ایران، همواره بر سر تقسیم آب هیرمند بین ایران و افغانستان مناقشه وجود داشته و این مسأله اختلافی هنوز هم به قوت خود باقی است. ریشه اختلافات آبی بین ایران و افغانستان به گلداسمیت، ژنرال بریتانیایی بر می‌گردد که در سال ۱۸۷۲ میلادی، مرز بین این دو کشور را در شاخه اصلی هیرمند قرار داد و بدون ذکر هیچ نکته‌ای در زمینه تقسیم آب، تنها به دخل و تصرف نداشتن در آب کشاورزی حاشیه هیرمند اشاره کرد. دولت افغانستان تحت حمایت بریتانیا در اوایل سده بیستم مدعی بود؛ هیرمند یک رودخانه داخلی و متعلق به افغانستان است و هیچ مناقشه‌ای در این زمینه وجود ندارد (دهشیری و حکمت‌آرا، ۱۳۹۷: ۶۰۷). اما پس از ایجاد مرز سیاسی افغانستان و ایران، درگیری و تنش بر سر تخصیص آب بین ایران و افغانستان رو به افزایش بوده است. ادعا می‌شود که هر دو کشور همسایه، تلاش‌هایی را برای حل تنش آبی از طریق مذاکره انجام داده‌اند (Thomas And Warner, 2015: 601). نخستین مذاکرات مستقیم ایران و افغانستان بر سر اختلافات آبی دوجانبه به زمان رضاشاه باز

می‌گردد. در سال ۱۳۰۹ شمسی، سفیر ایران در کابل درباره اختلافات دو کشور به‌ویژه در زمینه رود هیرمند با وزیر امور خارجه افغانستان مذاکره کرد که مقرر شد؛ پس از تعیین کمیسیون مشترک، جلسات این کمیسیون در مرز تشکیل شده و به اختلافات پایان دهند. این مذاکرات در سال ۱۳۱۰ شمسی، منجر به پذیرش طرفین نسبت به تقسیم برابر آب شد؛ اما در مورد مکان تقسیم توافقی حاصل نشد. بر این اساس، نخستین مذاکرات آبی ایران و افغانستان با شکست مواجه شد و اختلاف طرفین نیز پابرجا ماند. تا این که با ادامه مذاکرات در سال ۱۳۱۵ شمسی، طرفین به طور موقت آب هیرمند را از سد کمال‌خان تا بند لخشک و به مدت یک سال با سهم مساوی تقسیم کردند. در سال ۱۳۱۷ شمسی، در ادامه مذاکرات بین ایران و افغانستان موسوم به سعدآباد قراردادی با ۱۶ ماده بین دو کشور منعقد شد که به موجب ماده اول آن، آب رسیده به سد کمال‌خان بین دو کشور به طور مساوی تقسیم می‌شد. با اجرا نشدن قراردادهای مذکور دور دیگری از مذاکرات دوجانبه برگزار شد. در مذاکراتی که در سال ۱۳۳۵ شمسی، در واشنگتن صورت گرفت؛ دولت افغانستان پذیرفت که سهم ایران از آب هیرمند مقداری بیش از ۲۲ مترمکعب بر ثانیه باشد. با این حال، کلنگ‌زنی و توسعه پروژه‌های عظیم آبی افغانستان به عنوان کشوری بالادست، همراه با خشکسالی شدید در تابستان ۱۹۴۷ در سیستان، تضاد آبی بین دو کشور واقع در حریم رودخانه را تشدید کرد. برای حل و فصل اختلاف تخصیص آب در میان کاربران بالادست و پایین دست دلتای رودخانه هیرمند، وزارت امور خارجه ایالات متحده نقش میانجی را بین دو کشور واقع در حریم رودخانه ایفاء کرد (Goes And others, 2016: 14) که در این راستا، مذاکرات آبی بین امیرعباس هویدا، نخست وزیر وقت ایران و موسی شفیق، نخست‌وزیر وقت افغانستان، منجر به تنظیم معاهده ۱۹۷۳ میلادی شد (Shroder And Ahmadzai, 2016: 94) که بر اساس آن افغانستان متعهد شد که سالانه به طور متوسط ۸۲۰ میلیون متر مکعب آب به ایران تحویل دهد (Tasnim News Agency, 2023: 2).

معاهده ۱۹۷۳ یکی از ناکارآمدترین معاهدات آب در منطقه تلقی می‌شود؛ زیرا در سال ۱۹۷۳ دو کشور افغانستان و ایران به ترتیب نتوانستند اصول مبتنی بر فرهنگ مانند گنجاندن رویکرد مدیریت اسلامی آب در مکانیسم مدیریت حوضه رودخانه هیرمند را لحاظ کنند. در نتیجه اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی، خشکسالی‌های طولانی مدت، عدم به اشتراک‌گذاری داده‌های

هیدرولوژیکی معتبر و دقیق و عدم همکاری در سطح فرامرزی، تضاد آبی بین دولت‌های ساحلی بالادست و پایین دست به طور قابل توجهی تشدید شد. بنابراین، مانع اصلی معاهده رودخانه هیرمند این است که به نگرانی‌های زیست محیطی (احیای تالاب هامون) و پایداری کشاورزی توجه نمی‌کند (Loodin And Wolf, 2022: 14). به هر حال، هنوز چند ماهی از امضای قرارداد ۱۳۵۱ شمسی، سپری نشده بود که رژیم پادشاهی افغانستان در اثر کودتای سردار محمدخان به جمهوری تغییر یافت. این امر موجب شد که مبادله اسناد معاهده هیرمند که قبل از کودتا به تصویب پارلمان افغانستان نیز رسیده بود؛ به تعویق افتد. سردار محمدخان پس از استقرار حکومت جمهوری در افغانستان اعلام کرد: «معاهدات دولت سابق افغانستان از طرف دولت جدید محترم شمرده خواهد شد» و متعاقباً نیز طی مصاحبه‌ای در پاسخ سؤال مربوط به روابط ایران و افغانستان اظهار داشت: «ما با ایران اختلاف اساسی نداریم و معاهده هیرمند هم در حال حاضر در دست مطالعه و بررسی است» (ستاره و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۸-۳۷). با وقوع انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ شمسی در ایران و حمله شوروی به افغانستان، موضوع طرح‌های مشترک به فراموشی سپرده شد. آشفتگی اوضاع داخلی افغانستان در اثر حمله شوروی و سپس وقوع جنگ داخلی در این کشور مانع از انجام هرگونه کنترلی از سوی افغان‌ها بر جریان آب هیرمند گردید. پس از خروج شوروی از افغانستان، طالبان در سال ۱۳۸۰ قدرت را در این کشور به دست گرفتند. به دلیل خشکسالی شدیدی که در دوران حکومت طالبان در افغانستان و کل منطقه رخ داد و تضاد دیدگاه‌های طالبان با ایران، این گروه کل آب ورودی هیرمند به ایران از سمت سدهای کجکی و ارغنداب را بست. نماینده ایران در سازمان ملل متحد نیز در سال ۲۰۰۱ میلادی، با ارسال نامه‌ای به دبیر کل این سازمان، نسبت به بستن درپچه‌های سد کجکی و قطع جریان آب هیرمند به سمت ایران واکنش نشان داد (شیخ‌غفوری و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۵). با برچیده شدن حکومت طالبان و استقرار حکومت جدید به وسیله نیروهای آمریکایی در سال ۱۳۸۰ شمسی، فصل جدیدی در روابط سیاسی تهران و کابل گشوده شد. در اسفند ۱۳۸۰ شمسی، حامد کرزای، رئیس دولت وقت افغانستان به همراه هیأتی عالی رتبه به تهران سفر کرد و با مقامات دولت ایران دیدار کرد. در این سفر، سند همکاری توسط سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری وقت ایران و حامد کرزای، رئیس دولت وقت افغانستان، به امضاء رسید. بر اساس بند سیزدهم این سند، دو طرف بر اجرای معاهده ۱۳۸۱ شمسی و تقسیم آب هیرمند تأکید کردند.

بدین ترتیب، باید سالانه ۸۲۰ میلیون متر مکعب آب از هیرمند وارد سیستان ایران شود که البته در مواقع سیلابی، اندکی بیشتر و در مواقع خشکسالی، اندکی کمتر از این میزان به ایران وارد شده است (دهشیری و حکمت‌آرا، ۱۳۹۷: ۶۰۷). در فروردین ۱۳۹۰ علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه وقت ایران، اذعان نمود: «آب رودخانه هیرمند حق مردم سیستان و بلوچستان است و باید هر چه زودتر برای احقاق آن اقدامی انجام داد؛ ما برای احیای دوباره دریاچه هامون پیگیر دریافت حقاچه از رودخانه هیرمند هستیم». شجاع‌الدین ضیایی، معاون وزارت انرژی و آب افغانستان، نیز در واکنش به صحبت‌های صالحی گفت: «میزان آبی که از رودخانه هیرمند به ایران می‌رود ممکن است در آینده کم شود؛ اما تأکید کرد که افغانستان به طور کامل به معاهده سال ۱۳۵۱ پایبند است». در سال ۱۳۹۵ اشرف غنی با آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، دیدار کردند و رهبر ایران با تأکید بر این که دو کشور باید هر چه سریع‌تر مسأله آب رودخانه‌های مرزی دو کشور را حل کنند؛ بیان داشت: «چنین مسائلی نباید موجب نقار و گله‌مندی در روابط دو کشور همچون ایران و افغانستان شود که دارای مرز، فرهنگ و نیازهای مشترکی هستند». در آبان ماه ۱۳۹۸ اجلاسی بین ایران و افغانستان برگزار شد که طی آن طرف افغان طرح کلی ارائه شده از سوی طرف ایرانی برای مطالعه سامانه‌های برداشت و اندازه‌گیری حقاچه در مرز مشترک را پذیرفت و مقرر شد در یک برنامه زمانی منسجم بررسی‌های تکمیلی به صورت دوجانبه ادامه یابد. در این اجلاس برای نخستین بار افزون بر موضوع حقاچه هیرمند، مسأله گرد و غبار در منطقه سیستان نیز به تفصیل بررسی شد (قریشی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۹۳-۲۹۱). ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران، در می ۲۰۲۳، به حاکمان طالبان هشدار داد که باید عواقب کارشکنی خود در تأمین سهم آب استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی ایران از رودخانه هیرمند را بپذیرند. رئیس‌جمهور هشدار داد: «به حاکمان افغانستان یادآوری می‌کنم که آن‌ها نباید خواسته ایران را عادی بدانند؛ بلکه باید آن را بسیار جدی بگیرند». رئیسی در مورد گمانه‌زنی‌ها مبنی بر این که سد کجکی در جنوب افغانستان حاوی آب یا لجن زیادی نیست که در سد انباشته شده است؛ اذعان داشت که افغانستان باید به کارشناسان ایرانی اجازه دهد تا وضعیت این سد را مشاهده کنند. وی هشدار داد که اگر تکنسین‌های ایرانی تأیید کنند که سد در افغانستان کم آب است؛ بحثی وجود نخواهد داشت؛ اما اگر آب باشد، ایران به هیچ وجه اجازه نخواهد داد که حق شهروندانش تضییع شود (2: Tasnim News Agency, 2023).

حسین امیر عبداللهیان، وزیر امور خارجه ایران نیز در تماس تلفنی با امیرخان متقی، وزیر خارجه دولت موقت طالبان، هشدار داد که «اگر مسأله حقایه ایران از هیرمند با سرعت و جدیت حل و فصل نشود؛ در سایر حوزه‌های همکاری دو کشور آثار منفی خود را نشان خواهد داد. تحویل حقایه ایران شاخص مهمی برای سنجش تعهدات هیئت حاکمه سرپرستی افغانستان در عمل به تعهدات بین‌المللی در قبال ایران است» (باقری، ۱۴۰۱: ۱۲۱). اگرچه روابط ایران و افغانستان پیرامون تقسیم آب هیرمند به طور قابل توجهی بهبود نیافته است و برای دو کشور یک مسأله اساسی و مهم محسوب می‌شود؛ با این حال، هر دو کشور در نهایت ترجیح داده‌اند شکلی از همکاری را در مدیریت مناقشات خود در مورد آب اتخاذ کنند. این امر به دلیل اولویت منافع دیگر مانند امنیت، اقتصاد و ثبات در افغانستان است (Nagheebby And others, 2019: 569). در مجموع می‌توان گفت؛ در مقاطعی که مناسبات ایران و افغانستان تیره گشته، موضوع هیرمند و حق‌آبه آن از جمله عوامل این تیرگی بوده و در تشدید و تداوم آن نقش تأثیرگذاری داشته و در عوض در مقاطعی که مناسبات تهران-کابل رو به بهبودی نهاده، هیرمند تحت تأثیر مناسبات رو به پیشرفت دو کشور نیز توانسته در توسعه و پیشرفت زندگی روزمره مردم سیستان نقش بالایی بازی کند.

۵- حاکمیت مجدد طالبان بر افغانستان و مدیریت منابع آبی هیرمند

به دنبال وقوع ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی سیاسی در افغانستان دولت اشرف غنی در ۱۵ اوت ۲۰۲۱ میلادی، سقوط کرد و طالبان رسماً کابل را تصرف کرد و به دو دهه حضور جنجالی نیروهای ناتو به رهبری ایالات متحده در افغانستان پایان داد. طالبان پس از تشکیل دولت، تأکید می‌کنند که بر اساس قوانین شریعت اسلامی بر کشور حکومت خواهند کرد. شریعت یا شریعت اسلامی شامل همه امور از جمله حاکمیت آب، به‌ویژه در سطح فرامرزی از جمله حوضه فرامرزی رودخانه هیرمند است. با این حال، روند اجرای قوانین شریعت توسط طالبان امری تدریجی است؛ زیرا طالبان در تلاش هستند تا از سوی کشورهای عضو سازمان ملل به رسمیت شناخته شوند. هنگامی که رژیم آن‌ها توسط سازمان ملل به رسمیت شناخته شود؛ آن‌ها احتمالاً اجرای قوانین اسلامی را تسریع خواهند کرد (Nagheebby And others, 2019: 261). بنابر گزارش‌ها، ایران دولت اشرف غنی افغانستان را متهم کرده است که رودخانه هیرمند را به یک ابزار سیاسی تبدیل کرده است. از

سوی دیگر، دولت افغانستان نیز بارها ادعای عدم رعایت حق آبه ایران را رد کرده است. به گفته محسن میلانی، مدیر اجرایی مرکز مطالعات استراتژیک و دیپلماتیک در دانشگاه فلوریدا جنوبی: «اگر این تصور وجود داشته باشد که کابل در حال باج‌گیری از تهران است؛ ممکن است واکنش مردمی علیه افغان‌ها در ایران را برانگیزد». وی اخیراً بیان داشت: «در ۴۰ سال گذشته ایران چندین برابر بیش از آنچه در معاهده آب بین دو کشور مقرر شده است؛ آب مصرف کرده است» (Loodin And Wolf, 2022: 11-12). همان‌طور که در بالا گفته شد، در سال‌های اخیر هر دو کشور روابط دیپلماتیک خوبی نداشته‌اند. گزارش‌ها حاکی از آن است که ایران از موضوع پناهجویان افغان به‌عنوان اقدامی برای فشار بر دولت افغانستان به‌منظور بازبینی معاهده رودخانه هیرمند استفاده کرده است. دولت افغانستان از آب به‌عنوان اهرم فشار بر ایران به‌منظور رعایت حقوق مهاجران افغان در ایران به‌عنوان یک اقدام متقابل استفاده کرده است. سطح تنش بین دو دولت ایران و افغانستان به‌طور قابل توجهی تشدید شده است؛ به‌ویژه زمانی که کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان اشرف غنی را به‌عنوان برنده انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۹ معرفی کرد؛ بهادر امینیان، سفیر ایران در افغانستان، در مراسم تحلیف غنی شرکت نکرد (Sleet, 2020: 2). به‌منظور به رسمیت شناختن دومین دوره ریاست جمهوری اشرف غنی، ایران به افغانستان پیشنهاد داد که از طریق امضای سند جامع همکاری‌های راهبردی ایران و افغانستان، در دو حوزه رودخانه فرامرزی به‌ویژه حوزه هیرمند بازنگری کند. دیدگاه علی احمد عثمانی، وزیر پیشین نیرو و آب افغانستان، پیامدهای نامطلوب امضای سند جامع همکاری راهبردی ایران و افغانستان را آشکار کرد. عثمانی استدلال کرد که امضای این سند، جریان حوزه رودخانه هیرمند و هریرود در افغانستان را تهدید خواهد کرد. برخی از متخصصین آب معتقدند که مقامات ایرانی از دولت افغانستان خواسته‌اند تا حقوق تالاب هامون را در بازنگری حوضه رودخانه هیرمند نیز لحاظ کنند. در حالی که تغییرات آب و هوایی بر جریان تالاب‌ها در افغانستان و ایران تأثیر منفی گذاشته است؛ طرف ایرانی، افغانستان را به خشک شدن هامون متهم می‌کند. در واقع، خشک شدن تالاب‌ها به‌ویژه در خاک ایران، مقامات ایران را مجبور کرده تا دولت افغانستان را برای بازبینی معاهده رودخانه هیرمند دعوت به گفت‌وگو و مذاکره کند (Cookman, 2020: 2-3). اما با فروپاشی دولت اشرف غنی در افغانستان و خروج سریع نیروهای آمریکایی از این کشور، این سند هنوز نهایی نشده است. این توافق

می‌تواند طالبان را تحت فشار شدید قرار دهد تا ساخت سدهای جدید در حوضه بالادست رودخانه هیرمند را متوقف کنند. بنابراین، از آنجایی که طالبان متعهد به اجرای قوانین شریعت در اداره کشور هستند؛ اصول مدیریت آب اسلامی با الهام از دین ممکن است به خوبی در توافقنامه جدید رودخانه فرامرزی هیرمند گنجانده شود (Loodin And Wolf, 2022: 11-12) که این امر می‌تواند فشارها و تهدیداتی را از جانب افغانستان نسبت به ایران ایجاد کند و به افزایش اختلافات و مناقشات آبی طرفین منجر شود.

تا سال ۲۰۲۱، مناقشات آبی در اطراف رودخانه هیرمند به جایی رسیده بود که اشرف غنی در مراسم افتتاح سد کمال خان در نزدیکی مرز ایران در مارس همین سال بیان داشت: «از این به بعد، کلید هیرمند در دست افغانستان است، ما به تعهدات خود در قبال ایران احترام می‌گذاریم؛ اما هر چیزی فراتر از سهمیه تعیین شده نیاز به گفت‌وگو دارد. وی تأکید کرد که از این پس افغانستان «آب مجانی به کسی نخواهد داد» و «ایران اگر در ازای آن نفت بدهد؛ می‌تواند آب بیشتری دریافت کند». غنی در ادامه افزود: «هر قطره آب افغانستان از نفت همسایگان ما ارزشمندتر خواهد بود» (Nagheeby, 2022: 552). با تأسیس امارت اسلامی افغانستان تحت مدیریت طالبان، مقامات تهران علاقه‌مندی خود را برای گسترش روابط اجتماعی-اقتصادی و سیاسی خود با رژیم طالبان نشان داده‌اند. زمانی که جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، اعلام کرد که قصد دارد تمام نیروهای آمریکایی را تا اوت ۲۰۲۱ از افغانستان خارج کند؛ ایران تماس‌های خود را با طالبان افزایش داد تا خلأ دیپلماتیکی را که در همسایه شرقی خود ایجاد می‌شد؛ پر کند. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه سابق ایران، در جولای ۲۰۲۱ با هیئت طالبان در مورد سیاست آن‌ها در قبال مسائل آینده افغانستان و منطقه از جمله موضوع حقایق هیرمند گفت‌وگو کرد. بعداً در ژانویه ۲۰۲۲، حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه ایران، برای رسیدگی به مسائل افغانستان با یک هیئت عالی رتبه طالبان در تهران گفت‌وگو کرد (Abbasian, 2022: 494). ایران قبل از به قدرت رسیدن این گروه در افغانستان در ماه اوت ۲۰۲۱ روابط نزدیکی با طالبان داشت. مناقشه تقسیم آب و درگیری‌های مکرر مرزی فضای سردی را در روابط طرفین ایجاد کرده است.

بازگشت طالبان به قدرت در آگوست ۲۰۲۱ امید تهران را که بتواند به تفاهم جدیدی با کابل در مورد اشتراک آب رودخانه‌های هیرمند و هریرود دست یابد؛ افزایش داد. مقامات ارشد طالبان

با اذعان به اهمیت معاهده ۱۹۷۳ هیرمند بر دسترسی عادلانه به منابع آبی مشترک بین ایران و افغانستان به عنوان دو کشور مسلمان همسایه تأکید کردند. دولت طالبان همچنین مجوز باز کردن دریاچه‌های سد کمال خان بر روی رودخانه هیرمند را صادر کرد تا آب به استان خشک شده سیستان و بلوچستان ایران سرازیر شود. رویکرد آشتی‌جویانه دولت طالبان، خوش‌بینی ایران را نسبت به دستیابی به توافقنامه جدید تقسیم آب با حاکمان جدید کابل تقویت کرده است (Ranjan, 2021: 6). بنابراین گزارش‌ها، ایران از یک دولت سنی در امارت اسلامی افغانستان حمایت می‌کند و آن را به رسمیت می‌شناسد؛ مشروط بر این که اولاً طالبان از حقوق اقلیت شیعه در افغانستان حمایت کنند؛ دوم این که امنیت مرز سیاسی افغانستان و ایران را حفظ کنند؛ سوم این که با گروه تروریستی داعش مبارزه کنند و چهارم این که معاهده رودخانه هیرمند را مورد بازبینی قرار دهند (Kittleson, 2021: 5).

۶- تلاش ایران برای حفظ ثبات و امنیت در افغانستان

جمهوری اسلامی ایران دیپلماسی را بهترین راه برای کاهش تنش در افغانستان می‌داند و تهران با کشورهای همسایه برای یافتن راه حلی برای بحران افغانستان همکاری کرده است. یک روز پس از اعلام تشکیل دولت موقت در افغانستان توسط طالبان در ۸ سپتامبر ۲۰۲۱، امیر عبداللهیان به همراه وزرای خارجه چین، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان در کنفرانس مجازی به میزبانی پاکستان برای تبادل نظر در مورد آخرین تحولات افغانستان شرکت کردند. ایران همچنین در گفت‌وگوهای رسمی مسکو با هیئت طالبان و کشورهای همسایه افغانستان در ۲۰ اکتبر ۲۰۲۱ برای رسیدگی به وضعیت سیاسی و نظامی افغانستان شرکت کرد (Abbasian, 2022: 505). در ۲۷ اکتبر ۲۰۲۱، ایران میزبان نشستی با حضور کشورهای همسایه افغانستان و روسیه بود تا نقشه راه برای تقویت صلح و امنیت در افغانستان جنگ زده آماده شود. در این نشست، ایران خواستار تشکیل یک دولت فراگیر با همه اقوام افغانستان شد. تهران همچنین خواستار آن شد که طالبان مسئول امنیت شهروندان افغانستان و مرزهای افغانستان با کشورهای همسایه باشند. علی شمخانی، دبیر شورای عالی ملی ایران، در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۱، در گفتگوی امنیتی منطقه‌ای دهلی درباره افغانستان شرکت کرد که مشاوران امنیت ملی روسیه، ایران، هند و پنج کشور آسیای مرکزی را برای بررسی راه‌های تضمین ثبات در

سراسر مرزهای افغانستان گرد آورد. ایران همچنین با شرکت در نشست بین‌المللی به رهبری سازمان همکاری اسلامی در مورد افغانستان که به دستور پاکستان برای جلوگیری از بحران انسانی و اقتصادی روزافزون افغانستان برگزار شد؛ حمایت خود را از مردم افغانستان اعلام کرد. در این نشست، ایران بر لزوم وجود یک دولت فراگیر برای مقابله با چالش‌های افغانستان تأکید کرد (Chaulia, 2021: 6).

یکی دیگر از اقدامات ایران برای مقابله با بحران افغانستان، تسهیل مذاکرات بین گروه‌های مخالف افغان و طالبان بود. جمهوری اسلامی که سابقه میانجی‌گری بین دولت سابق افغانستان و طالبان در مذاکرات بین‌الافغانی را داشت، در ژانویه ۲۰۲۲ میزبان مذاکرات هیئت بلندپایه طالبان و رهبران دو گروه برجسته اپوزیسیون افغانستان برای کاهش تنش‌های داخلی افغانستان بود. در این دیدار، اسماعیل خان، رهبر سابق ائتلاف شمال افغانستان و احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی افغانستان، بر تشکیل حکومت فراگیر از تمامی گروه‌های قومی و سیاسی در کابل تأکید کردند. مقامات ایرانی همچنین با هیئت طالبان به ریاست امیرخان متقی سرپرست وزارت امور خارجه افغانستان برای بحث در مورد مسائل سیاسی، اقتصادی، ترانزیت و پناهندگان گفت‌وگو کردند. اگرچه هدف اولیه طالبان از ملاقات با چهره‌های اپوزیسیون مورد حمایت ایران، کسب مشروعیت از جمهوری اسلامی بود؛ اما تهران به رسمیت شناختن دولت طالبان را مشروط به تشکیل یک دولت فراگیر قومی در افغانستان کرد (Mehdi, 2022: 4). تهران همچنین گسترش روابط با طالبان را راهی برای حفظ جریان آب به استان‌های شرقی ایران، از سرگیری همکاری‌های تجاری با افغانستان، کاهش قاچاق مواد مخدر و هجوم مهاجران افغان به ایران می‌دانست. از این رو، تهران با کشورهای منطقه برای حفظ ثبات و تشکیل یک دولت فراگیر در افغانستان همکاری کرده است و در این راستا، در تلاش برای کاهش تنش و بی‌ثباتی در این کشور گام بر می‌دارد.

۷- تأثیر احداث پروژه‌های آبی افغانستان در مسیر هیرمند بر منطقه سیستان

رودخانه هیرمند به‌عنوان یک رودخانه بین‌المللی در منطقه خاورمیانه، توجهات عمیقی را به خود جلب نموده است. این رودخانه که در جنوب غرب افغانستان و شرق ایران واقع شده است؛ شرایط زندگی در دو سوی مرز ایران و افغانستان را به شدت تحت تأثیر قرار داده و کاهش سهم هر کدام،

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

پیامدهای بسیاری را در پی داشته است. رودخانه هیرمند تنها منبع تأمین کننده آب سیستان به شمار می‌آید؛ چرا که آب زیرزمینی یا به عبارت دیگر، آب‌های نیمه سطحی شور، نه تنها قابل استفاده نیستند؛ بلکه زیان‌آور نیز هستند. از طرفی، اگرچه آب دریاچه هامون شیرین است؛ اما به ندرت برای کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این اوصاف، این دریاچه بیشتر جنبه‌های زیست محیطی داشته و منبع آبی مطمئن و مناسبی در امر کشاورزی به شمار نمی‌آید. به هر حال منبع اصلی آب سیستان رودخانه هیرمند است که از کوه بابایغما در شمال غربی کابل سرچشمه می‌گیرد (لطفی، ۱۳۹۴: ۶۶). کشور ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در کمربند خشک و نیمه خشک جهان قرار دارد و میزان بارندگی آن حدود ۲۴۰ میلی‌متر است که کمتر از یک سوم متوسط جهانی است؛ ولی تنها ۳۶ درصد بارش‌های سالانه را دریافت می‌کند و در حال حاضر متوسط سرانه آب کمتر از ۲۰۰۰ متر مکعب در سال است که در حال نزدیک شدن به آستانه بحران است (اخباری و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۱۵-۲۱۴).

کشورها در تلاش هستند تا با مهار آب‌ها در داخل سرزمین‌های خود، کنترل آن‌ها را در دست گیرند و از آن به عنوان اهرم قدرت استفاده نمایند؛ بدین خاطر که دولت‌ها در موضوع شراکت در آب‌های فرامرزی شرکای ناراضی هستند و در خصوص مدیریت آبراهه‌های مرزی رویکردی ناسازگار با همسایگان خود دارند. یکی از عواملی که می‌تواند منجر به درگیری شود؛ ایجاد زیرساخت‌های آبی از جمله سد، کانال‌های آبی، انحراف مسیر رودخانه که تأثیرات مؤثری بر روی مناطق پایین دست دارد؛ زیرا جمعیت‌های محلی را آواره می‌کند و منجر به تشدید اختلافات بین قومی و جمعیت‌های شهری و روستایی می‌شود. از نظر مقامات کابل، آب در حکم نفت است و دولت باید بخشی از هزینه‌های خود را از طریق فروش آب به همسایگان تأمین نماید. افغانستان از منابع آبی خود برای تقویت اقتصاد داخلی بر پایه مدیریت پربازده منابع آبی و به منظور تولید انرژی استفاده می‌کند و این امر شامل دست‌یابی به خوداتکایی در زمینه تولید برق آبی در داخل کشور است (طهماسبی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۷۷-۱۷۶). روند کلنگ‌زنی و سدسازی افغان‌ها بر روی رودخانه هیرمند، جدای از نقض کنوانسیون‌های بین‌المللی، به دلیل بی‌برنامه بودن و عدم رعایت آینده‌نگری در طرح‌های اجرایی، تهدیدی جدی برای ایالت‌های فرودست هیرمند از جمله منطقه سیستان محسوب می‌شود. اولین اقدام عمرانی در مسیر هیرمند از جانب افغانستان، نهر «سراج» در

سال ۱۳۱۳ شمسی بود. در اواخر سال ۱۳۲۶ شمسی، افغانستان اقدام به احداث سد «غرامی» نمود. در سال ۱۳۴۵ شمسی، سد «کجکی» در استان هلمند رسماً آبگیری شد. همچنین همه ساله مقدار زیادی از آب هیرمند به نهر «بقره» هدایت می‌شود. در این شرایط، در حالی که دولت افغانستان تاکنون ۱۹ سد و ۳۴ بند انحرافی در حوضه آبریز هیرمند و در بالادست تالاب‌های هامون احداث و مورد بهره‌برداری قرار داده، برنامه ساخت ۳۵ سد دیگر را در این حوضه به صورت سدهای پیشنهادی در دست مطالعه و بررسی دارد (اکبری و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۹۷) که این طرح‌ها و پروژه‌های آبی در مسیر رودخانه هیرمند آسیب‌های جدی به ایالت‌های پایین دست این رودخانه وارد می‌کند. این در حالی است که مفاد حقوق بین‌الملل، حقوق کشورهای پایین دست در خصوص بهره‌برداری از یک رودخانه فرامرزی مشترک را انکارناپذیر می‌داند و اعمال حاکمیت کشور بالادست نباید به گونه‌ای باشد که این حقوق را دچار مخاطره کند. بر این اساس، ایران حق دارد برای احقاق بخشیدن به حقوق خود به داوری بین‌المللی که در پروتکل دوم معاهده آمده است، رجوع کند. از آنجایی که این معاهده نیز در دبیرخانه سازمان ملل متحد به ثبت رسیده است، قابلیت استناد در برابر ارکان سازمان ملل پیدا می‌کند و به ایران قدرت مانور و توان چانه‌زنی بیشتری در خصوص مذاکره در پرونده هیرمند را می‌دهد.

در حالی که می‌توان انتظار داشت که پروژه‌های آبی در مسیر رودخانه هیرمند به نفع توسعه اجتماعی-اقتصادی در افغانستان باشد؛ اما در ایران زنگ خطری ایجاد کرده است که آرزوهای افغانستان در مورد هیرمند را یک تهدید مستقیم امنیتی می‌داند. اگر مصرف آب بالادست افزایش یابد؛ ممکن است عرضه آب به ایران کاهش یابد. ایران بیم آن دارد که کمبود آب ناشی از آن می‌تواند استان سیستان و بلوچستان را بی‌ثبات کند. هیرمند تنها منبع آب برای شهرهای اصلی این استان است که عموماً ناآرام‌ترین منطقه کشور محسوب می‌شود (طیبی و ابوالقاسمی، ۱۴۰۲: ۹۷). قرار گرفتن سرچشمه هیرمند و ۹۵ درصد مسیر این رودخانه در افغانستان، این کشور را نسبت به ایران در موقعیت بالادستی قرار داده و مقامات کابل با استفاده از این مزیت، تهران را همواره به موضع انفعال کشانده، به طوری که خسارت‌های جبران‌ناپذیر مادی و غیر مادی و زیست محیطی بالایی به منطقه وارد شده است (فروغی نعمت‌الهی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۶). لذا جاری شدن آب رودخانه هیرمند در دشت سیستان به منزله تداوم حیات اجتماعی-اقتصادی آن بوده و هرگونه

کاهش در میزان آب وارداتی به ایران، حیات منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این در شرایطی است که ایران به طور عمده از طریق هیرمند به منابع آب خارج از مرزهای خود و به طور مشخص به افغانستان وابسته است و این امر نوعی چالش ژئوپلیتیکی برای ایران محسوب می‌شود. دولت‌های افغانستان همواره از هیرمند به عنوان ابزاری برای حل مسائل خود با ایران سود برده‌اند. در واقع، هیرمند گروگان دائمی افغان‌ها برای سودجویی از آن در مناسبات سیاسی-اقتصادی و حتی نظامی با ایران بوده است (حزبایوی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۲).

منطقه سیستان در زمان سلسله صفویه به انبار گندم ایران معروف بود. مردم این منطقه به کشاورزی، دامپروری، صیادی و حصیربافی مشغول بوده‌اند. همه این مشاغل به دریاچه بین‌المللی هامون وابسته است. تالاب هامون بزرگ‌ترین منبع تأمین علوفه برای دام‌های منطقه سیستان، به‌ویژه در شرایط طبیعی هامون، نیزارهای این تالاب چراگاه ۱۲۰ هزار رأس گاوی به شمار می‌آید. علاوه بر این، آن عده از مردم سیستان که تا دو دهه پیش به صید ماهی مشغول بودند و مجموع صید سالیانه آن‌ها از ۱۲ هزار تن نیز فراتر می‌رفت؛ اما حالا تقریباً همگی بدون کار و درآمد هستند. زیان‌های ناشی از این مسأله طی سال‌های گذشته به بیش از ۶ هزار میلیارد تخمین زده شده است. با خشک شدن دریاچه هامون آثار و اماکن باستانی واقع در منطقه سیستان نیز جاذبه خود را برای گردشگران از دست داده است و این امر از تعداد گردشگران کاسته است (اکبری و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۹۸). نیزارهای منطقه سیستان، علاوه بر تأمین علوفه برای دام‌ها و قابل استفاده در تولید صنایع دستی برای سوخت نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. همچنین پرداختن به ماهیگیری و شکار نیز نقش اساسی در درآمد خانواده‌های سیستانی ایفاء می‌کند. لذا، هنگامی که میزان آب وارداتی به منطقه سیستان کاهش یا به طور کامل قطع شود؛ این وابستگی به دریاچه هامون منجر به فروپاشی اقتصاد محلی می‌شود (اطاعت و ورزش، ۱۳۹۱: ۱۹۹). امروزه به علت کمبود بارندگی و کاهش آب‌های ورودی به منطقه سیستان، کارایی و مطلوبیت این منطقه برای کشت به شدت کاهش یافته و حتی با اقدامات مقامات کابل و احداث پروژه‌های آبی در مسیر رودخانه هیرمند، گاهی نیاز ساکنان سیستان به آب آشامیدنی نیز تأمین نمی‌شود.

در پی خشک شدن دریاچه هامون، منطقه سیستان به یکی از عمده‌ترین کانون‌های برداشت شن و ماسه تبدیل شده و همه مزارع و روستاهای اطراف را در نوردیده که از تبعات آن مهاجرت گسترده

روستاییان و شهرهای سیستان و بلوچستان از جمله زابل، زهک و هیرمند به استان خراسان و سواحل شرقی دریای خزر است. در دوره خشکسالی، هامون ۴۵ هزار هکتاری، به کانون بحرانی برداشت شن و ماسه تبدیل و بسیاری از روستاهای پایین دست دریاچه زیر شن مدفون شده‌اند. این اتفاق در کنار بادهای ۱۲۰ روزه سیستان، ساکنان منطقه را بیشتر تحت فشار عوامل فرسایش و بیابان‌زایی قرار داده است (Shahriara, 2018: 203). مهاجرت بی‌رویه روستاییان باعث خالی شدن روستاها از سکنه شده و فضای مناسبی را برای فعالیت قاچاقچیان مرزی و گروه‌های فعال تروریستی فراهم نموده و زندگی اندک ساکنین باقی مانده در منطقه را با تهدید مواجه ساخته است. علاوه بر این؛ خشکسالی و کم‌آبی طولانی مدت باعث تغییر اقلیم منطقه و پیامدهای ناگوار برای سایر مناطق شده است.

در گذشته تالاب هامون در هنگام وزش بادهای ۱۲۰ روزه نقش مهم و اساسی در خنک کردن منطقه سیستان داشت؛ اما امروزه به خاطر کم‌آبی و خشک شدن دریاچه هامون، علاوه بر افزایش این بادهای ۱۲۰ روزه به ۱۸۰ روز، حجم زیادی از رسوبات و شن‌های خشک شده کف دریاچه هامون تا حدود ۳۰۰ کیلومتر در هنگام وزیدن بادهای به حرکت درآمده که این امر ضمن افزایش میزان گرد و غبار و آلودگی هوا در منطقه سیستان، سبب ایجاد تهدید برای حیات بشری و جانوری گردیده است. برای نمونه، وزش این بادهای باعث شیوع بیماری‌های روحی و روانی، جسمانی به‌ویژه پوستی، چشمی و ریوی شده است. همچنین دریاچه هامون در شرایط عادی، با برخوردار بودن از آب شیرین، سالانه پذیرای ۱۹۰ گونه پرنده مهاجر و بومی بود؛ اما امروزه کاهش قابل برجسته پرندگان بومی و غیر بومی و همچنین در معرض انقراض قرار گرفتن گاو اصیل سیستانی را می‌توان از جمله تهدیدات جانوری این منطقه دانست (اکبری و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۰۰-۲۹۹). یکی از اصلی‌ترین دلایل کاهش آورد رودخانه هیرمند به سمت ایران در دهه‌های گذشته، توسعه کشاورزی به‌ویژه کشت خشخاش در این حوضه اعلام شده است. کشاورزی حدود ۲۵ درصد از تولید ناخالص ملی افغانستان را شکل می‌دهد و این فعالیت برای اقتصاد کشور افغانستان بسیار حائز اهمیت است (امینی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۵۴) که این امر سبب کاهش جریان آب به مناطق پایین دست از جمله سیستان و ایجاد مشکلات فراوان زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و... در این منطقه شده است.

بعد از فروپاشی دولت طالبان، دولت تازه تأسیس افغانستان به ریاست حامد کرزی، با توسعه عملیات هیدرولیکی، همواره بر کنترل آب در قلمروی خود تأکید کرده بود. در نتیجه عملکرد ضعیف معاهده اشتراک آب فرامرزی بین ایران و افغانستان در ۱۹۷۳ میلادی، همراه با حضور نیروهای ناتو به رهبری ایالات متحده در افغانستان و تغییرات شدید آب و هوایی، دولت افغانستان، سیاست جذب یکپارچه منابع آب در بالادست حوضه رودخانه هیرمند را اتخاذ کرده است. از سوی دیگر، ایران با استفاده از تاکتیک‌های پنهان و آشکار و با مجهز کردن گروه‌های ضد دولتی مانند طالبان، تلاش کرده است تا پروژه‌های سدسازی در افغانستان را مختل کند (Loodin And Wolf, 2022: 8). بدین ترتیب می‌توان گفت؛ با توجه به این که کابل در تلاش است بعد از تثبیت ثبات و امنیت در افغانستان، به توسعه مناطق مختلف این کشور بپردازد؛ طبیعتاً آب به عنوان فاکتور اساسی توسعه افغانستان نقش اساسی در توسعه این کشور ایفاء خواهد نمود. از طرفی، با توجه به این که سرچشمه تمام این آب‌ها در خاک افغانستان قرار دارد و همچنین با توجه به حمایت بازیگران بین‌المللی از مقامات افغانستان، این موضوع می‌تواند به یک عامل تهدید و فشار نسبت به ایران تبدیل شود؛ چرا که افغانستان با هدف توسعه مناطق حاصلخیز اقدام به مهار آب‌های سطحی خود از جمله هیرمند خواهد کرد که این خود می‌تواند تهدیدی راهبردی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب شود.

با توجه به این که در آینده نزدیک به خصوص در مناطق کمابیش خشک جهان مانند منطقه خاورمیانه، دستیابی به منابع آبی یکی از فاکتورهای مهم قدرت محسوب می‌شود و از سویی، نبردها و نزاع‌های دهه‌های قرن ۲۱ «جنگ آب» خواهد بود؛ لذا کشوری که بتواند آب کافی با کیفیت خوب داشته باشد؛ میزانی از قدرت نرم را دارا خواهد بود. به خصوص اگر این کشور سرمنشأ رودهایی را در خاک خود داشته باشد که میان چند کشور مشترک است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که کشور افغانستان در این مورد ویژه از نوعی مزیت نسبی برخوردار است. به عبارتی، جدا از افزون‌خواهی‌های احتمالی مقامات بلندپایه کابل که می‌تواند امنیت جمهوری اسلامی را از خارج مورد تهدید قرار دهد؛ امنیت داخلی نیز با خطرات و چالش‌هایی مواجه می‌شود. در واقع، رودخانه هیرمند عامل ثبات منطقه محسوب می‌شود؛ زیرا ضریب وابستگی منطقه سیستان به هیرمند تقریباً صد درصد است و هرگونه اختلال و بی‌نظمی در جریان آب آن، خسارت‌هایی جبران‌ناپذیر به دنبال

خواهد داشت. رژیم رودخانه‌هایی که به رودخانه هامون می‌ریزد؛ نامنظم است و همین عامل باعث نوسان‌های زیاد در میزان و حجم آب این دریاچه در طول سال‌های متمادی شده است. حجم تالاب هامون در گذشته بزرگ‌تر بوده و در سال‌های اخیر به طور روزافزونی از دامنه و حجم آن کاسته شده است؛ به طوری که از نظر اقتصادی در محیط پیرامونی خود اثرات همه‌جانبه داشته است (فروغی نعمت‌الهی، ۱۳۹۲: ۴۸-۴۷). در واقع می‌توان گفت؛ با خشک شدن دریاچه هامون و قطع جریان آب هیرمند، نه تنها شکارچیان، بلکه صیادان منطقه سیستان نیز با خشک شدن تالاب‌ها، شغل و درآمد خود را از دست داده و برخی از آن‌ها به دیگر مناطق کشور نیز مهاجرت کردند. کم شدن یا از دست دادن درآمدهایی که از طریق کشاورزی، باغداری، دامداری، شکار، ماهی‌گیری و صنایع دستی به دست می‌آمده است؛ فقر و تنگدستی گروه‌های حاشیه‌نشین جامعه را نیز بیشتر کرده است که این امر باعث روی آوردن بخشی از مردم سیستان به فعالیت‌های دیگری همچون تروریستی، قاچاق کالا، سوخت و مواد مخدر شده است. همچنین می‌توان گفت؛ در یک سده گذشته مقامات کابل با استفاده بیشتر از آب هیرمند در خاک خود، آب روان به سمت مناطق شرقی ایران از جمله سیستان را کاهش داده که این موضوع، ضمن ایجاد تهدیدات زیست محیطی برای این منطقه، موجب کاهش وسعت زمین‌های کشاورزی منطقه سیستان و کوچک‌تر شدن تالاب هامون گردیده است. بنابراین، مسأله بهره‌برداری فزاینده مقامات کابل از رودخانه هیرمند، هم‌اکنون در حال تبدیل شدن به یک فاجعه زیست محیطی در مناطق شرقی ایران است.

نتیجه‌گیری

موضوع منابع آب به عنوان یک موضوع با اهمیت در صحنه سیاست داخلی کشورها به‌ویژه در مناطق خشک و کم آب جهان از دیرباز همواره مطرح بوده و هم‌اکنون نیز اهمیت خود را حفظ کرده است. ایران به دلیل واقع شدن در منطقه‌ای گرم و خشک با بحران آب روبه‌رو است و بر سر مدیریت منابع آب مشترک خود با کشورهای همسایه از جمله افغانستان همواره اختلاف داشته است که این اختلافات گاه به درگیری لفظی و حتی نظامی نیز منجر شده است. مناسبات آبی تهران و کابل در بهره‌برداری از این منابع مشترک از جمله هیرمند از فراز و فرودهای فراوانی برخوردار بوده است. مناقشات آبی ایران و افغانستان در مورد هیرمند از سابقه‌ای طولانی برخوردار

است. در شرایط کنونی و با به قدرت رسیدن مجدد طالبان در افغانستان، روابط تهران-کابل بر سر بهره‌برداری منصفانه از آب مشترک هیرمند که برای دو کشور حائز اهمیت فراوانی است؛ در مسیر همکاری قرار دارد. تهران ضمن جلوگیری از توسعه تنش و بی‌ثباتی‌ها در افغانستان، در تلاش است مناسبات خود را با کابل توسعه بخشد تا از این طریق از استفاده طالبان از فاکتور آب به عنوان ابزاری سیاسی جهت پیشبرد سیاست‌ها و اهداف منطقه‌ای خود در قبال جمهوری اسلامی ممانعت ورزد. اگرچه دولت موقت طالبان بارها تأکید داشته که به معاهده آبی ۱۹۷۳ میلادی متعهد بوده، ولی موضوع حق‌آبه هیرمند همچنان یک مسأله اساسی در روابط تهران-کابل محسوب می‌شود. مقامات طالبان مشکلات فنی و خشکسالی و کمبود آب را باعث کاهش آب‌های ورودی به ایران می‌دانند که این امر تأثیر به‌سزایی بر ابعاد زیست‌محیطی و امنیتی شرق کشور از جمله سیستان داشته است. از سویی، طالبان برای تثبیت قدرت و جلوگیری از هرج و مرج ناشی از فروپاشی اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی افغانستان به همکاری دیگر کشورها از جمله جمهوری اسلامی نیازمند است. در مجموع، خشکیدن یا کم‌آبی هامون به عنوان یک تالاب بین‌المللی که تنها منبع اصلی آب آن هیرمند محسوب می‌شود؛ به دلیل عدم حل مسأله آب هیرمند، ضمن تهدید امنیت منطقه، اکوسیستم منطقه را به سمت نابودی کشانده است. همچنین از نظر اقتصادی، وابستگی اقتصاد منطقه سیستان به مشاغل کشاورزی و صیادی و از طرفی، از بین رفتن این دو شغل، حیات اقتصادی و معیشت مردم سیستان را نیز با مشکلات فراوانی مواجه کرده است. افغانستان با وجود منابع آب مناسب، به دلیل نداشتن مدیریت صحیح این منابع طبیعی، با بحران جدی آب روبه‌رو است. این کشور به دلیل قرار گرفتن در بالادست هیدرولوژیکی ایران که این خود عملاً سبب بالا رفتن قدرت و توان استراتژیک آبی افغانستان نسبت به جمهوری اسلامی شده است؛ به تدریج مفاد قراردادهای آبی با ایران را به نفع خود تغییر داده است و به دنبال احیای کشاورزی به عنوان تنها بخش عمده اقتصادی خود است. با این حال، دولت افغانستان به هیچ یک از تعهدات حقوقی حاکم بر هیرمند پایبند نبوده و همواره با اتخاذ سیاست‌ها و اقداماتی به تشدید منازعات دامن زده است.

در همین راستا، راهکارهایی ارائه می‌شود تا ضمن استفاده برای دستگاه دیپلماسی کشور و دستگاه‌های اجرایی ذیربط، اهداف و منافع ملی ایران تأمین و تضمین شود؛ نخست این که، ماهیت

مسأله تقسیم آب هیرمند بین ایران و افغانستان یک موضوع فنی و مرزی است؛ بنابراین مقامات ذیربط دو کشور باید از سیاسی شدن آن جلوگیری کنند و از مداخله بازیگران خارجی در پرونده هیرمند ممانعت ورزند. سیاسی کردن مسأله تقسیم هیرمند موجب زیان دیدن منافع ملی طرفین شده و این خود به نفع بازیگران منطقه‌ای و جهانی به ویژه ایالات متحده است که به دنبال بهره‌برداری از این مسأله می‌باشند که این امر خود مانع فیصله پیدا کردن این مسأله می‌شود؛ دوم، جمهوری اسلامی ایران باید با استفاده از اهرم مهاجران افغان در مذاکرات آبی با افغانستان، مقامات بلند پایه کابل را به حق آبه قانونی ایران متقاعد کند و با در دست داشتن این کارت بسیار قوی سیاست‌های آبی خود در شرق کشور از جمله هیرمند را دنبال کند؛ سوم، با توجه به شرایط اقلیمی و خشکسالی‌های پی در پی در مناطق شرقی کشور از جمله سیستان، پیشنهاد می‌شود تا دولت ایران، ضمن تسریع در انتقال آب از دریای عمان به مناطق شرقی کشور، هر چه سریع‌تر آبرسانی قطره‌ای را برای مزارع کشاورزی این منطقه عملی نماید و از سویی برای تأمین آب شرب منطقه، انتقال آب از شهرهای استان خراسان جنوبی به منطقه سیستان نیز باید در دستور کار ویژه‌ای قرار بگیرد تا سرنوشت منطقه شرق کشور در زمینه تأمین منابع آب، وابسته به رودخانه مرزی هیرمند نباشد که هم‌اکنون کنترل و مدیریت آن در دست افغانستان است و در مواقع ضروری و بحرانی برای تأمین اهداف و منافع کابل از آن به عنوان اهرم فشار سیاسی-اقتصادی علیه تهران استفاده می‌کند؛ چهارم، برای جلوگیری از به هدر رفتن سیلاب‌ها و آب‌های فصلی، در هر نقطه‌ای که امکان آن وجود داشته باشد؛ سدهای مخزنی احداث شود تا از فشارها و محدودیت‌های آبی مناطق شرقی کشور از جمله سیستان کاسته شود و پنجم، با توجه به بازگشت مجدد طالبان به ساختار قدرت در افغانستان و از طرفی، تداوم بی‌ثباتی در این کشور، تهران باید ضمن حمایت از استقرار دولتی فراگیر و باثبات در کابل، به برقراری و توسعه روابط با مقامات طالبان و همچنین تداوم گفت‌وگوها و مذاکرات اصولی در ارتباط با تقسیم عادلانه آب هیرمند مبادرت ورزد و در این راستا؛ هیئت حاکمه فعلی افغانستان را متقاعد نمایند که سهم آب ایران از رودخانه هیرمند را طبق مقررات رودخانه‌های بین‌المللی و با تأکید بر معاهده ۱۹۷۳ میلادی، رعایت نماید و در این خصوص نیز سازمان‌های بین‌المللی ناظر بر حسن اجرای قرارداد تشکیل گردد.

منابع و مآخذ

- اخباری، ابوالفضل؛ اخباری، محمد؛ اسماعیل پور روشن، علی اصغر؛ رنجبر محسن و باهک، بتول. (۱۳۹۹). تبیین نقش هیدروپلیتیک بر سیاست خارجی افغانستان و ایران (۲۰۱۵ الی ۲۰۱۹). *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۲(۴۷)، ۲۱۳-۲۳۵.
- اطاعت، جواد و ورزش. اسماعیل (۱۳۹۱). هیدروپلیتیک هیرمند: دلایل، آثار و پیامدها. *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۴(۸۰)، ۱۹۳-۲۱۲.
- اکبری، نرگس؛ مشهدی، علی و کاظمی‌فروشانی، حسین. (۱۳۹۹). ابعاد حقوقی بهره‌برداری از هیرمند. *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۲۲(۶۸)، ۳۲۴-۲۹۱.
- امینی، اعظم؛ قریشی، سیده زهرا و میان‌آبادی، حجت. (۱۴۰۰). خوانش معاهده ۱۹۷۳ هیرمند با تمسک به اصول تفسیر کنوانسیون وین ۱۹۶۹. *فصلنامه مدیریت آب و آبیاری*، ۱۱(۲)، ۲۷۳-۲۴۹.
- باقری، اسماعیل. (۱۴۰۱). ماهیت منازعات مرزی طالبان-ایران. *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۲۲(۸۹)، ۱۳۶-۱۰۷.
- بوربور، مجتبی و عباسی، مصیب. (۱۴۰۰). تأثیر بحران هیدروپلیتیک بر زیست‌پذیری مناطق جغرافیایی با تأکید بر جغرافیای مرزی ایران و افغانستان. *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۴(۵۱)، ۱۵۶-۱۳۴.
- حزب‌بوی، خالد؛ شهابی، روح‌الله؛ کریمی‌فرد، حسین و عبدالخانی، لنا. (۱۴۰۱). نقش عوامل زیست محیطی بر امنیت جمهوری اسلامی ایران در دهه اخیر با تأکید بر رودخانه مشترک مرزی هیرمند. *فصلنامه مطالعات سیاست بین‌الملل*، ۲(۳)، ۳۷-۹.
- دهشیری، محمدرضا و حکمت‌آرا، حامد. (۱۳۹۸). دیپلماسی آب ایران در قبال همسایگان. *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۶(۲۴)، ۶۱۶-۵۹۶.
- ستاره، جلال؛ پناهی، حمید و شیخی کوهسار، علی. (۱۳۹۳). بررسی اختلاف‌های مرزی ایران و افغانستان (مورد مطالعه: رودخانه هیرمند). *فصلنامه علوم و فنون مرزی*، ۵(۳)، ۵۲-۲۷.
- شیخ‌غفوری، هادی؛ بری‌گنبد، سکینه و دهشیار، حسین. (۱۳۹۰). تبیین غیرامنیتی سازی روابط ایران و افغانستان (دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹). *فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۲(۴)، ۴۸-۲۵.
- شبیعی، نوذر. (۱۴۰۲). از همکاری تا منازعه: تحلیلی بر روابط ایران و طالبان. *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۴(۷۴)، ۵۶-۳۵.
- طهماسبی، مریم؛ حاجی یوسفی، امیرمحمد و برزگر، کیهان. (۱۴۰۰). درهم‌تنیدگی عناصر منازعه و همکاری در حوزه آبریز هیرمند. *فصلنامه سیاست جهانی*، ۱۰(۳۶)، ۱۸۴-۱۵۷.
- طیپی، سبحان و ابوالقاسمی، ساناز. (۱۴۰۲). دیپلماسی دفاعی اختلافات مرزی هیرمند و عدم پیروی معاهداتی. *فصلنامه تمدن حقوقی*، ۶(۱۵)، ۱۰۶-۹۵.
- عباسی‌اشلغی، مجید و عنایت‌مهری، حسینعلی. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر هیدروپلیتیک هیرمند بر روابط سیاسی و امنیتی ایران و افغانستان ۲۰۱۸-۲۰۲۰. *فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۱۴(۱۶)، ۱۰۶۵-۱۰۲۹.
- فروغی نعمت‌اللهی، سید عباس؛ حسنی باقری، مهدی و شیخ‌اویسی، محمود. (۱۳۹۲). تأثیر هیدروپلیتیک رودخانه مرزی هیرمند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۵(۱۹)، ۵۱-۳۳.
- قریشی، سیده زهرا؛ میان‌آبادی، حجت و پرورش‌ریزی، عاطفه. (۱۴۰۰). تحلیل ماتریس همبست تعاملات آب‌های فرامرزی در حوضه آبریز هیرمند. *فصلنامه تحقیقات آب و خاک ایران*، ۵۲(۱)، ۳۰۰-۲۷۱.

بحران آب هیرمند و بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان

- کامیاب، محمدحسن؛ موسوی‌زاده، سید محمدحسین و بختیاری، حمید. (۱۴۰۰). دیپلماسی آب در مرزهای رودخانه‌ای (مطالعه موردی: رودخانه مرزی هیرمند). *دوفصلنامه قلمروهای جغرافیایی قرن جدید*، ۱(۱)، ۱-۱۵
- کاویانی‌راد، مراد. (۱۳۸۴). مناسبات هیدروپولیتیک ایران و افغانستان. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲(۸)، ۳۳۷-۳۵۸
- گرگیچ، فرهاد و خزایی، ضیاء. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر هیدروپولیتیک هیرمند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، ۱۵(۴۷)، ۷۰-۴۹.
- لطفی، حیدر. (۱۳۹۴). تحلیل ژئوپلیتیکی روابط افغانستان و ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها. *پژوهشنامه خراسان بزرگ*، ۶(۹۱)، ۷۵-۵۷.
- داودی، مانده؛ کیانی، داود و برزگر، کیهان. (۱۴۰۲). قدرت‌یابی طالبان و رویکرد جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۵(۱۶)، ۱۶۱-۱۳۹.
- Abbasian, P. (2022). My Enemy's Enemy: Iran's Approach to the Re-emergence of the Taliban. *Journal of Asian Security And International Affairs*, 9(3), 493-512
- Chaulia, S. (2021). What did the Delhi regional security dialogue on Afghanistan accomplish?. *The Diplomat*, available at: <https://thediplomat.com/2021/11/what-did-the-delhi-regional-security-dialogue-on-afghanistan-accomplish/>
- Cookman, C. (2020). Another Afghan Election Crisis and the Challenge of Power-Sharing. available at: <https://smallwarsjournal.com/jrnl/art/another-afghan-election-crisis-and-challenge-power-sharing>
- Goes, B.J.M, S.E. Howarth, R.B. Wardlaw, I.R. Hancock, U.N. Parajuli. (2016). Integrated water resources management in an insecure river basin: a case study of Helmand River Basin, Afghanistan. *International journal of water resources development*, v.32 no.1, 3-25
- Hanasz, P. (2012). The Politics of Water Security between Afghanistan and Iran. *Future Directions International PtyLtd*, Nedlands, Australia, Available at: <https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/pdf>
- Naqvi, H., Fraz, S., Zaheer, A. (2023). Iran's Policy towards Taliban: A Circumspect Approach for Maximum Gain. *Institute of Regional Studies*, No. 36, 1-21
- Kehl, Jenny R. (2011). Hydro political Complexes and Asymmetrical Power: Conflict, Cooperation and Governance of International River Systems. *Journal of World- Systems Research, American Sociological Association*, Volume 17, No I.
- Kittleson, S. (2021). Why Iran Will Welcome the Taliban Takeover in Afghanistan. *foreignpolicy*, available at: <https://foreignpolicy.com/2021/08/18/why-iran-will-welcome-the-taliban-takeover-in-afghanistan/>
- Martignago, G. (2011). *A comparative analysis of Sava, Tisza, Dniester transborder water river basin management agreement and cooperative policies and their impact on the enhancing of mutual understanding and the well being of people involved*. Università degli studi di Trieste, 1-236
- Mehdi, S.Z. (2022). Taliban delegation meets Afghan opposition figures in Iran. *Anadolu Agency*, available at: <https://www.aa.com.tr/en/asia-pacific/taliban-delegation-meets-afghan-opposition-figures-in-iran/2470116>
- Nagheeb, M. (2022). The 150-Year Itch: Afghanistan-Iran Hydropolitics Over the Helmand/ Hirmand River. *Journal Of Water Alternatives*, 15(3), 551-573

- Nagheebby, M., Piri D, M., Faure, M. (2019). The Legitimacy of Dam Development in International Watercourses: A Case Study of the Harirud River Basin. *journal of Transnational Environmental Law*, 8(2), 247–278
- Najibullah Loodin and Aaron T. Wolf. (2022). Will Islamic Water Management Principles Be Included If the Helmand River Treaty Is Revisited?. *journal of MDPI*, 14(67),1-18
- Ranjan, R. (2021). Iran sees Taliban takeover as strategic threat to its interests: Report. *Republic World*, available at: <https://www.republicworld.com/world-news/rest-of-the-world-news/iran-sees-taliban-takeover-as-strategic-threat-to-its-interests-report.html>
- Shahriara, A., Mozaffaria, Gh.A., Poudineha, S. (2018). the impact of drought periods and wind erosion on the physical development of desert cities (Case Study: Zabol-Iran). *Journal Of Desert*, 2(23), 199-209.
- Shroder, John F., Ahmadzai, S.J. (2016). *Transboundary Water Resources in Afghanistan' Climate Change and Land-Use Implications*. Elsevier; 1st edition, 1-544
- Sleet, P. (2020). Water Sharing Tensions Between Iran and Afghanistan Still High as Droughts Ease. Available at: <https://www.hidropolitikakademi.org/en/article/28075/water-sharing-tensions-between-iran-and-afghanistan-still-high-as-droughts-ease>
- Tasnim News Agency. (2023). Taliban Give Consent to Dam Supply Check: Iran's Envoy", available at: <https://www.tasnimnews.com/en/news/2023/06/17/2912117/taliban-give-consent-to-dam-supply-check-iran-s-envoy>
- Thomas, V., Warner, J. (2015). Hydropolitics in the Harirud/Tejen River Basin: Afghanistan as hydro-hegemon?. *International Journal of Water*, 40(4), 593–613
- Wilkinson, J.C. (1978). Islamic water law with special reference to oasis settlement. *Journal of Arid Environments*, Volume 1, Issue 1, 87-96

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی